

آموزش مستقیم به شیوه معلم محوری و براساس تصمیمات معلم و الگوهای تعامل، درگیری و مداخله مستقیم معلم می باشد. هدف از اجرای این مدل و الگو، فراهم آوردن شرایط مناسب برای استفاده حداکثر از زمان کلاس و آموزش و سایر منابع برای درگیر نمودن دانش آموزان در فعالیت های تمرینی و مهارت ها می باشد. محتوای واحد درسی در آموزش مستقیم به یک سری نمایش ها و مهارت ها و همچنین زمینه های عملی تقسیم می شود. هر مهارت و حتی حوزه شناختی و دانشی، زمینه ای از وظایف عملکردی و کاربردی را به صورت های یادگیری و تمرین برای دانش آموزان ایجاد می کند. یک کلاس درس می تواند هر مکانی را که یک یا چندین تکلیف یادگیری در آن توسط معلم برنامه ریزی شده، شامل شود. شش عمل کلیدی، یعنی مرور مطالب یادگرفته شده قبلی، ارائه مطالب و مهارت های جدید، نخستین تمرین فراگیران، بازخورد و اصلاح، تمرین جداگانه و مستقل و مرورها و بررسی های دوره ای، در روش آموزش مستقیم شناسایی شده اند.

اگرچه روش آموزش مستقیم، هنوز هم روش آموزشی غالب و حاکم در اکثر پایه های تحصیلی و موضوعات درسی در

در شماره قبل کلیاتی از روش ها و الگوهای تدریس درس تربیت بدنی بیان شد. مقاله با پرداختن به چستی روش ها و الگوهای تدریس شروع شد و با بیان برخی از ویژگی های مدل ها با الگوهای تدریس درس تربیت بدنی و ضرورت وجود و استفاده از الگوها ادامه پیدا کرد و با ذکر مزایای استفاده از آموزش مبتنی بر مدل در تربیت بدنی خاتمه یافت. مقرر شد طی سه مقاله، براساس شاخص هایی، به معرفی هشت مدل تدریس با آموزش برای تربیت بدنی، شامل آموزش مستقیم، آموزش انفرادی، یادگیری مشارکتی، تعلیم و تربیت ورزشی، تدریس از طریق همتا، تدریس مبتنی بر تحقیق، بازی های ورزشی تاکتیکی و آموزش مسئولیت پذیری شخصی و اجتماعی بپردازیم. این شماره به مروری کلی بر الگوهای تدریس تربیت بدنی اختصاص دارد و در شماره های آتی، الگوهای تدریس تربیت بدنی از منظر موضوعات اصلی و ریشه های تئوریک معرفی خواهند شد.

کلیدواژه ها: الگوهای تدریس، آموزش انفرادی، یادگیری مشارکتی، مسئولیت پذیری، آموزش مستقیم.

گذر از روش ها به الگوهای تدریس درس تربیت بدنی؛ انتخاب یا ضرورت؟

بخش دوم، مرور کلی بر الگوهای

تدریس تربیت بدنی

دکتر جواد آزمون

عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی



مدارس کشور آمریکاست، اما در سال‌های اخیر به دلیل نوآوری روش‌های جدید آموزشی، این روش مورد انتقادهای زیادی قرار گرفته است و بعضی از روش‌های جدید در تضاد و تقابل با روش آموزش مستقیم شکل گرفته‌اند. زمانی مدل «آموزش مستقیم» می‌تواند مؤثر واقع گردد که همانند سایر روش‌های آموزشی، برای رسیدن به اهداف مشخص و براساس الگویی طراحی شده به کار گرفته شود. اگر معلمی در بحث آموزش مورد نظر خود، هدف دیگری را دنبال می‌کند و یا نمی‌تواند به‌طور دقیق این روش آموزشی را به کار ببرد، باید یک روش یا مدل دیگری متناسب با اهداف و عقاید و توانایی‌های خود انتخاب نماید.

سیستم آموزش انفرادی

سیستم آموزش انفرادی به هر دانش‌آموز اجازه می‌دهد که به شیوه خودش و از طریق انجام تکالیف یادگیری تجویزی توسط معلم پیشرفت کند. هر بخش یادگیری شامل اطلاعاتی دربارهٔ ارائهٔ تکلیف، ساختار تکلیف، تحلیل خطا و معیار اجرا در قالب یک شیوه‌نامه مکتوب و یا شبیه آن به دانش‌آموز ارائه می‌شود. با این شیوه، معلم به‌صورت مستقیم اطلاعاتی به دانش‌آموزان نمی‌دهد؛ بلکه این دانش‌آموزان هستند که مواد آموزشی تهیه شده را خوانده (مثل مطالعهٔ شیوه‌نامه) و یا تماشا (مثل تماشای یک فیلم ویدئویی) می‌کنند. این شیوه مانع از آن خواهد شد که معلم وقت کلاس را به آموزش و نمایش فردی توسط خودش سپری کند و در عوض به وی اجازه می‌دهد تا تعاملات آموزشی بیشتری با دانش‌آموزان داشته باشد. وقتی هر دانش‌آموزی یک تکلیف درسی را براساس معیار عملکردی تعیین شده برای آن فرا گرفت، بدون اجازه و دستور معلم، سراغ تکلیف بعدی در لیست محتوایی می‌رود. معلمان مجری سیستم آموزش انفرادی از تعامل با دانش‌آموزان برای ایجاد انگیزه و آموزش (یا انتقال) اطلاعات استفاده می‌کنند (مانند روش بازخورد و آموزش تک‌شاگردی یا یک به یک). سیستم آموزش انفرادی براساس یک طرح یک‌پارچه و منسجم، برای ارائهٔ محتوای واحد درسی، بنا شده است و اساساً در آن طرح درس روزانه مدنظر نمی‌باشد. هر دانش‌آموز براساس مطالب و دروس قبلی که آموزش دیده و یاد گرفته، پیش می‌رود و هر جلسه ادامه دروس جلسهٔ قبل را به‌صورت پیوسته دنبال می‌کند. بنابراین معلم در این مدل باید از مفاهیم و موضوعات درسی که در جلسه بعدی تدریس و آموزش داده می‌شود، کاملاً آگاهی داشته باشد و بر این اساس وسایل و تجهیزاتی را که دانش‌آموزان در این فرایند آموزشی نیاز دارند، آماده و مهیا سازد. هدف اصلی سیستم آموزش انفرادی، تشویق و ترغیب دانش‌آموزان به استقلال در یادگیری، همچنین هدایت

معلم به داشتن تعامل بیشتر با دانش‌آموزانی است که نیاز به این توجه دارند. این امر به اثبات رسیده است که این مدل در موفقیت دانش‌آموزان در حیطهٔ روانی حرکتی و شناختی بسیار مؤثر می‌باشد.

مدل یادگیری مشارکتی

یادگیری مشارکتی مجموعه‌ای از راهبردهای ساختاری مرتبط به هم است که دارای سه ویژگی مشترک یعنی پاداش تیمی، تعهد شخصی و فرصت‌های یکسان و برابر برای پیشرفت و موفقیت همهٔ دانش‌آموزان بوده و اولین بار به‌وسیلهٔ روبرت اسلاوین (۱۹۸۳) نامگذاری شد. پرورش و ترویج مشارکت درسی بین دانش‌آموزان، تشویق روابط گروهی مثبت، رشد عزت نفس دانش‌آموزان، و افزایش پیشرفت درسی و تحصیلی، از جمله هدف‌های آموزشی مهم در مدل آموزش یادگیری مشارکتی می‌باشند. از بررسی این اهداف می‌توان دریافت که یادگیری مشارکتی هم موفقیت‌محور و هم فرایندمحور است. موفقیت‌محور، بدین معنی است که مدل برای بهبود تبحر و چیرگی دانش‌آموزان در محتوای واحدهای درسی، تا حد ممکن، طراحی شده است. این مدل نقطه تمرکز و تأکید خود را روی موضوع یادگیری دانش‌آموزان قرار داده است. فرایندمحور بدین معناست که روش تعامل دانش‌آموزان با یکدیگر برای یادگیری محتوا، در واقع، به اندازه تسهیل پیشرفت هر دانش‌آموز اهمیت دارد. این بدان معنی نیست که «دانش‌آموزان باید یاد بگیرند که همکاری کنند» بلکه به این معناست که «دانش‌آموزان باید همکاری کنند تا یاد بگیرند».

معلم یادگیری مشارکتی دارای شش نقش اصلی تعیین اهداف عینی آموزشی، تصمیم‌سازی قبل از آموزش، پیوند ارائهٔ تکلیف با ساختار تکلیف، اجرا و عملی ساختن تکلیف مشارکتی، نظارت و در صورت ضرورت مداخله و ارزشیابی از اثر متقابل یادگیری و مراحل وقوع آن است. وقتی مدل مطابق طرح اولیه اجرا شود، به احتمال قوی انواع یادگیری دانش‌آموزان را که مدل به‌خاطر آن‌ها طراحی شده، ارتقا خواهد داد. اگر این مدل به‌طور صحیح به کار نرود، همان‌طور که از آن انتظار می‌رود مثرم ثمر نبوده، بنابراین نباید از این مدل به‌عنوان یک الگوی ناقص استفاده کرد و معلمان را وقتی به آن نیاز دارند، وادار به استفاده از آن کرد. ترجیحاً، معلمان باید از مشکلات بالقوه آگاه بوده و با هدف کاهش یا حذف آن‌ها از مدل، برنامه‌ریزی کنند.

مدل تعلیم و تربیت ورزشی

اساس ساختار مدل تعلیم و تربیت ورزشی تا حد زیادی از

اساس ساختار مدل تعلیم و تربیت ورزشی تا حد زیادی از مدل مشابهی که در سازماندهی لیگ‌های ورزشی مورد استفاده بوده، اقتباس شده است

مدل مشابهی که در سازماندهی لیگ‌های ورزشی مورد استفاده بوده، اقتباس شده است. با این وجود یک استثناء عمده، مدل تعلیم و تربیت ورزشی را از ساختار لیگ ورزشی متمایز می‌کند. آن استثناء و وجه تمایز این است که در لیگ‌های ورزشی بین مدرسه‌ای و یا جوانان، نوجوانان و جوانان ورزش را فقط از منظر یک «بازیکن» یاد می‌گیرند. آن‌ها به‌ندرت به تجربیات گسترده ورزشی؛ یعنی یادگیری جنبه‌های مختلف ورزش، دستیابی به یک فهم کامل و ضمناً ارزش بیشتر قائل شدن برای همه حوزه‌های مطرح در فرهنگ ورزشی، دست خواهند یافت. به‌علاوه در ساختار لیگ‌های ورزشی، تجربیات حاصل برای بازیکنان، اغلب «دستوری» هستند؛ یعنی اینکه مربی تمام تصمیمات را اتخاذ و بازیکنان ملزم به اطاعت و اجابت دستورهای مربیان هستند. در مدل تعلیم و تربیت ورزشی، همه دانش‌آموزان به‌عنوان «بازیکن» نقش ایفا می‌کنند، اما با وجود این برای انجام فعالیت‌های بهتر و اثربخشی گروهی (یعنی برگزاری بهتر لیگ ورزشی)، یک یا چند نقش دیگر را نیز فرا می‌گیرند. در این مدل تجربیات دانش‌آموزان هم‌زمان با یادگیری مهارت‌ها، تصمیمات، آداب و رسوم و مسئولیت‌های ناشی از واگذاری نقش‌های مختلف به آن‌ها در این ساختار، وسعت می‌یابند.

دانش‌آموزان در مدل تعلیم و تربیت ورزشی، در تصمیم‌گیری‌های مربوط به تعیین ساختار و عملیات برگزاری لیگ (در مدل تعلیم و تربیت ورزشی منظور از لیگ، فصل یا دوره آموزش است)، نقشی فعال دارند تا شرکت‌کننده‌هایی منفعل یا غیرفعال. سایدن تاپ (۱۹۹۴) سه هدف کلی یا آرمانی ساخت و پرورش یک ورزشکار با صلاحیت فنی، با سواد و مشتاق را برای مدل تعلیم و تربیت ورزشی بیان نموده است. تعلیم و تربیت ورزشی، شش مشخصه یا مؤلفه کلیدی دارد که ویژگی خاصی را به این مدل می‌دهند که عبارتند از:

فصول - تعلیم و تربیت ورزشی، در مقایسه با محتوای سنتی واحدهای درسی تربیت‌بدنی، از فصول به‌عنوان یک فاکتور ساختاری سازمان‌یافته بیشتر استفاده می‌کند. منظور از یک فصل، یک دوره زمانی طولانی است که دوره‌های زمانی سازمان‌دهی و تمرین، پیش از فصل، حین فصل و پس از فصل را شامل می‌شود. فصول تعلیم و تربیت ورزشی باید حداقل بیست درس را در صورت امکان داشته باشد.

وابستگی - دانش‌آموزان در طول یک فصل، فقط عضو یک تیم باقی می‌مانند. گسترش وابستگی بسیاری از اهداف عاطفی و رشد اجتماعی را در داخل مدل، از طریق مهیا ساختن فرصت برای کار اعضای تیم برای رسیدن به اهداف مشترک،

تصمیم‌سازی تیمی، تجربه شکست و پیروزی در قالب تیم و ایجاد اتحاد گروهی برای تیم، بهبود می‌بخشد.

رقابت رسمی - دانش‌آموزان تصمیمات زیادی درخصوص ساختار و اجرای برنامه‌ها در طول فصل را اتخاذ می‌نمایند. آن‌ها می‌توانند قوانین و قواعد بازی را جهت تحقق عدالت بیشتر و مشارکت فعال‌تر، ملاحظه و اصلاح نمایند. یک برنامه زمان‌بندی رسمی برای رقابت گروه‌ها و بازیکنان به آن‌ها فرصت می‌دهد تصمیمات کوتاه‌مدت و بلندمدتی برای کل فصل بگیرند و این برنامه زمان‌بندی کلی و جامع رقابتی، به گروه‌ها و بازیکنان فرصت تمرکز بر روی تمرین و زمینه‌سازی و آماده‌سازی ادامه برنامه را در ادامه کار فراهم می‌آورد.

رویداد پایانی یا نهایی - هر فصل با یک رویداد پایانی، که ممکن است به شکل دوره‌ای، تیمی و یا انفرادی برگزار شده باشد، خاتمه می‌یابد. این رویداد می‌تواند همراه با جشن و شادی بوده و شرایطی را فراهم آورد تا همه دانش‌آموزان بر حسب توانایی‌های خود در آن مشارکت کنند (به‌جز در نقش تماشاگر). ثبت و ضبط رکوردها - بازی‌های ورزشی فرصت‌های زیادی را برای ثبت رکوردهای عملکردی فراهم می‌آورند که از این رکوردها می‌توان برای آموزش راهبردی، افزایش علاقه بازیکنان و تیم‌ها، اطلاع‌رسانی نتایج و سنجش یادگیری دانش‌آموزان استفاده کرد. رکوردها بسته به توانایی دانش‌آموزان در حفظ و درکشان، می‌توانند ساده یا پیچیده باشند. به‌دلیل اطلاع عموم (در نتیجه اطلاع‌رسانی و نشر رکوردها)، رکوردها سوابق مفیدی برای زمان‌بندی رقابت‌ها مهیا می‌کنند، مثل تعیین زمان مسابقه بین دو تیم مدافع و مدعی عنوان قهرمانی. مربیان و بازیکنان می‌توانند از داده‌ها و آمار بازی‌ها، برای تحلیل نقاط قوت گروهی خود و گروه مقابل خود استفاده نمایند.

جشن و سرور (شادمانی) - رخدادهای ورزشی به‌دلیل برخورداری از جو و فضای شادمانی و سرور، معروف هستند. تیم‌ها اسامی برای خود برمی‌گزینند که بخشی از سنتشان شده و بدین طریق فرهنگ و دانش ورزشی آن‌ها ارتقا می‌یابد. مکان برگزاری رویدادهای پایانی با رنگ آمیزی و نصب پرچم و بنر آذین‌بندی می‌شوند. اگرچه این گونه رویدادها در مقیاس کوچکی اجرا می‌شوند، معلمان تعلیم و تربیت ورزشی سعی دارند تا جایی که امکان دارد، فصول را به شیوه‌های مختلف و رقابتی، جذاب و به‌یادماندنی نمایند.

مدل تدریس از طریق هم‌تا

مدل تدریس از طریق هم‌تا را می‌توان مدل تغییر یافته‌ای از آموزش مستقیم در نظر گرفت. در مدل تدریس از طریق هم‌تا، کنترل معلم بر روی همه عناصر مشابه به قوت خود باقی است به‌جز یکی که آن هم تعاملات آموزشی است که در حین و بعد از کوشش‌های یادگیری دانش‌آموزان رخ می‌دهد. این

مهم‌ترین مسئولیت به دانش‌آموزانی که مربی نامیده می‌شوند محول شده، یعنی کسانی که برای مشاهده و تجزیه و تحلیل کوشش‌های تمرینی دیگر دانش‌آموزان، تمرین و پرورش داده شده‌اند، واقعیت برای اغلب معلم‌های تربیت‌بدنی این است که چون آن‌ها تعداد زیادی دانش‌آموز در کلاس دارند، عملاً مشاهده کوشش تمرینی هر دانش‌آموز به محض انجام شدن و به‌صورت مستقیم غیرممکن است. حتی زمانی که یک معلم میزان بازخورد بالایی را می‌دهد، هر دانش‌آموز به‌طور انفرادی احتمالاً میزان کمی از جملات بازخوردی را در یک درس دریافت می‌کند. در مدل تدریس از طریق هم‌تا اصطلاحات فنی گاهی اوقات می‌تواند گیج‌کننده باشد. برای کاهش این پرباشانی باید بین چهار اصطلاح زیر که مکرراً استفاده خواهند شد تفاوت قائل شویم:

۱. مربی: یک دانش‌آموز خاص که به‌طور موقت در نقش معلم گماشته شده است.
 ۲. فراگیر: یک دانش‌آموز خاص، کسی که تحت نظر و سرپرستی یک مربی تمرین می‌کند.
 ۳. جفت یا دوتایی: گروه دوتایی متشکل از مربی و فراگیر.
 ۴. دانش‌آموز: اصطلاح کلی برای توصیف دانش‌آموزان کلاس، وقتی که آن‌ها در نقش فراگیر و مربی نیستند.
- مدل تدریس از طریق هم‌تا، براساس یک دادوستد پذیرفته‌شده برای کاهش مشکل مشاهده بسیار کم معلم از تلاش‌های تمرینی و بازخوردهای بسیار محدودی که توسط دانش‌آموزان دریافت می‌شود، می‌باشد. فرصت‌های واقعی برای پاسخگویی در کلاس ضرورتاً در مدل تدریس از طریق هم‌تا نصف می‌شوند، چون هر دانش‌آموز تقریباً نصف زمان فعالیت را به‌عنوان یک مربی و نصف دیگر زمان تمرین را به‌عنوان فراگیر صرف می‌کند. از این‌رو، در هنگام ایفای نقش فراگیر، زمان یادگیری هر دانش‌آموز در اثر داشتن یک مربی خصوصی برای مشاهده و تجزیه و تحلیل هر کوشش تمرینی، افزایش می‌یابد و در هنگام ایفای نقش مربی، توجه دانش‌آموز به‌طور شناختی، معطوف به مسیری برای افزایش درک خود از تکلیف است، در نتیجه وقتی که نوبت اوست، در تمرینی پیشرفته مشارکت می‌کند. حتی اگر دانش‌آموزان به‌طور معمول در تدریس از طریق هم‌تا فرصت‌های واقعی برای پاسخگویی (به عبارتی دیگر فرصت برای انجام اعمال خواسته شده) کمتری را داشته باشند، تأثیر مضاعف زمان تمرین به معلم اجازه خواهد داد تا به‌طور قابل ملاحظه‌ای پوشش مطالب بیشتری را در واحد آموزش داشته باشد.
- طرفداران تدریس از طریق هم‌تا، همچنین بر یادگیری اجتماعی که در مدل رخ می‌دهد، اشاره دارند. هر دو عضو گروه دوتایی به یکدیگر وابسته هستند، به شیوه‌هایی که در سایر مدل‌های آموزشی رخ نمی‌دهد. مربی باید توجه دقیق

به ارائه تکلیف و ساختار تکلیفی که به‌وسیله معلم به او داده می‌شود، داشته باشد و تمرکز خوبی را زمانی که تلاش‌های مهارت را مشاهده می‌کند به کار گیرد. علاوه بر این مهارت‌های ارتباط کلامی خوبی را زمانی که راهنمایی می‌کند و بازخورد می‌دهد، داشته باشد و اینکه نسبت به توانایی‌ها و احساس مسئولیت موقت خود حساس باشد. فراگیر باید حاضر به قبول توضیحات مربی باشد، وقتی که توضیحات مربی واضح نیست سؤال بپرسد و هر کوشش تمرینی را با مشاهده مستقیم مربی و با سخت‌کوشی انجام دهد. زمانی که در کلاس دانش‌آموزان نقش‌هایشان با یکدیگر عوض می‌شود آن‌ها براساس سطح مشترک مسئولیتی که در اغلب دیگر مدل‌های آموزشی به آن‌ها داده نمی‌شود، شروع به ایجاد یک رابطه دوطرفه می‌کنند. مدل تدریس از طریق هم‌تا همچنین در ارتقای رشد شناختی دانش‌آموزان در تربیت‌بدنی پتانسیل بالایی دارد. برای اینکه بتوان یک مربی خوب بود، یک دانش‌آموز باید رهنمودهای کلیدی اجرا را به‌دست آورد و روابط بین آن رهنمودها و نتایج حاصل‌شده از هر کوشش تمرینی را درک کند. یکی از چیزهایی که تدریس از طریق هم‌تا را تبدیل به یک مدل آموزشی و نه فقط یادگیری شریکی می‌کند، آن است که مربیان برای ایفای نقش معلمی در سر بزنگاه آماده و تمرین داده شده‌اند. بدین منظور که مدل آموزشی بیشترین تأثیر را داشته باشد، معلم باید به مربیان برای انجام و درک کارهایی که مسئولیت آن را به‌عهده دارند، کمک کند. این کار ساده‌ای نیست که به یکی از دانش‌آموزان بگویی «برو به دانش‌آموز دیگری درس بده».

مدل تدریس مبتنی بر تحقیق

هیچ مدل تدریس مبتنی بر تحقیق طراحی نشده رسمی برای تربیت‌بدنی وجود ندارد. مدلی که در اینجا ارائه شده از تعدادی از راهبردهای حل مسئله و پرسشی مشتق شده است که معلمان تربیت‌بدنی با نام‌های مختلفی از قبیل تدریس غیرمستقیم، حل مسئله، تدریس مبتنی بر کاوشگری و اکتشاف هدایت شده مدتهاست که از آن‌ها استفاده می‌کنند. به‌دلیل اینکه هر کدام از این اصطلاحات یک یا چند راهبرد را که در زمان کوتاهی در کلاس استفاده می‌شوند، توصیف می‌کنند، دربرگیرنده یک مدل آموزشی نیستند. به‌منظور شکل دادن آن‌ها در قالب یک مدل واقعی تدریس، عمومی‌ترین ویژگی، یعنی استفاده از سؤالات برای هدایت یادگیری، به‌عنوان پایه و اساس استفاده خواهد شد. طرح مدل تدریس مبتنی بر تحقیق، مرهون این راهبردهاست، اما همان‌طور که خواهید دید مدل تدریس مبتنی بر تحقیق، شامل بیش از یکی از آن‌ها خواهد بود.

**مهم‌ترین
ویژگی تدریس
مبتنی بر تحقیق این است
که یادگیری دانش‌آموز ابتدا
در حیطه شناختی رخ می‌دهد
و برخی مواقع به‌صورت
انحصاری است**

سیستم آموزش انفرادی به هر دانش آموز اجازه می دهد که به شیوه خودش و از طریق انجام تکالیف یادگیری تجویزی توسط معلم پیشرفت کند

شاید مهم ترین ویژگی تدریس مبتنی بر تحقیق این است که یادگیری دانش آموز ابتدا در حیطه شناختی رخ می دهد و برخی مواقع به صورت انحصاری است. از دانش آموزان سؤالاتی پرسیده می شود که باعث به فکر فرو رفتن آن ها می گردد و یا شاید همراه با یک یا چند همتا در فکر فرو روند. یادگیری شناختی گاهی اوقات تنها نوع یادگیری است که توسط معلم پیگیری می شود. هر چند معمولاً درگیری شناختی به عنوان پیش نیاز یا محرک هایی برای بیان پاسخ ها در حیطه روانی حرکتی استفاده می شود، یعنی اینکه، دانش آموزان ابتدا فکر می کنند و بعد پاسخ شان را از طریق برخی انواع حرکت بیان می کنند. تعامل بین حیطه های شناختی و روانی حرکتی به نوع یادگیری دانش آموز که مورد انتظار معلم است، بستگی دارد. راه های زیادی برای دسته بندی رشد یادگیری دانش آموز و بنابراین نوع سؤالات استفاده شده در مدل تدریس مبتنی بر تحقیق وجود دارد. برخی برنامه های آموزشی کلی تربیت بدنی قویاً مبتنی بر تدریس مبتنی بر تحقیق می باشند. تعلیم حرکتی، بازی های ورزشی آموزشی و موضوع های مهارتی، همگی رشد توانایی های ذهنی را ارتقا می دهند که بعداً به دانش آموزان برای فصاحت، خلاقیت و مهارت در حیطه روانی حرکتی کمک می کنند. این برنامه های آموزشی در بسیاری از مدارس آمریکا و خارج از آن اغلب در مقطع ابتدایی استفاده می شد. نقش های معلم به عنوان پرسشگر و دانش آموز به عنوان حل کننده مسئله در این برنامه، بسیار محوری است و تدریس مبتنی بر تحقیق را برای آن ها تبدیل به یک مدل مؤثر می کند، اما مدل تدریس مبتنی بر تحقیق همچنین می تواند با طیف گسترده تری از محتویات و در تمام سطوح و پایه های تحصیلی مثرتر باشد.

مدل بازی های ورزشی تاکتیکی

مدل بازی های ورزشی تاکتیکی مبتنی بر یک سلسله بازی ها و فعالیت های یادگیری شبه بازی (به نام اشکال بازی) متناسب با دوران رشد است که بر روی مسائل تاکتیکی برای دانش آموزان، جهت حل کردن مسئله، ابتدا در حوزه شناختی و سپس در انجام عملکرد حرکتی ماهرانه، متمرکز می باشد. معلم، ابتدا با تعیین ضروری ترین تاکتیک های مورد نیاز برای انجام بازی شروع به آموزش می کند. این امر منجر به فهرست بندی محتوایی برای هر بخش از آموزش می شود. به عنوان مثال، در بسکتبال برای دانش آموزان دوره اول متوسطه، ضروری ترین تاکتیک ها به ترتیب عبارت اند از: حرکت دادن توپ در حمله، انتخاب شوت (پرتاب)، حرکات

بدون توپ، گارد دفاعی (منطقه ای و بار به بار)، جاگیری برای ریباند، ضد حمله، دفاع و بازی خارج از محدوده. پس از این معلم، یک سری فعالیت های یادگیری را در درون هر یک از حوزه های تاکتیکی طراحی می نماید. اولین فعالیت یادگیری در هر حوزه، شکل بازی می باشد، که با یادگیری یک شکل ساده بازی شروع شده و به شکل های پیچیده تر پیشرفت می کند. در حین اجرای هر شکل از بازی، معلم دانش تاکتیکی و توانایی های دانش آموزان را تجزیه و تحلیل کرده، فاصله های بین ادراک و مهارت های آن ها را که می بایست تمرین و تکرار شوند، شناسایی می نماید. پس از آن معلم می تواند تصمیم بگیرد که آیا دانش آموزان را در شکل بازی نگه دارد یا مهارت ها را در ساختارهای تمرین، تکرار و بازآموزی نماید. برای به کارگیری مدل همان طور که طراحی شده، معلمان بایستی ساختار و شکل بازی را تا آنجا که ممکن است با هم یک پارچه نمایند تا تمرکز بر روی کاربردهای تاکتیکی مهارت ها ادامه یابد. تمرینات تکراری و ایستا (ساکن) بایستی تنها برای توسعه اساسی ترین مهارت های مورد نیاز برای شرکت در فعالیت های شبیه سازی شده به کار گرفته شود.

بر اساس مطالعات، اشکال بازی باید نماینده و معرف بازی کامل باشد و از موقعیت های اغراق آمیز برای تمرکز بر توسعه مهارت تاکتیکی استفاده کرد. نماینده بودن یا معرف بودن به این معناست که شکل بازی حاوی موقعیت های حقیقی و واقعی ای باشد که بعداً دانش آموزان با آن ها در یک بازی کامل، مواجه خواهند شد. موقعیت های اغراق آمیز به این معنی است که شکل بازی به گونه ای طرح ریزی شود که دانش آموزان را مجبور کند بر مشکل تاکتیکی ایجاد شده در همان لحظه و نه چیز دیگری تمرکز نمایند. به عنوان نمونه، اگر معلم دارد تاکتیک های دفاع و حمله «مبارزه تا آخرین نفس» را در بازی بیسبال آموزش می دهد، باید فعالیت یادگیری را به گونه ای تنظیم کند که واقعاً شبیه به یک «مبارزه تا آخرین نفس» واقعی باشد؛ فواصل بین پایگاه ها، بر اساس مقررات تنظیم شده باشد؛ کلیه بازیکنان در موقعیت های توپ گیری صحیح شروع نمایند و قوانین دودیدن به سوی پایگاه برقرار باشد. این باعث می شود که شکل بازی «معرف و نماینده» باشد. با جدا کردن بازی «مبارزه تا آخرین نفس» و تمرین کردن آن به دفعات زیاد، دانش آموزان به جای اینکه تنها چند بار محدود آن هم در جریان بازی با آن مواجه باشند، بر روی آن مشکل تاکتیکی برای مدت زیادی متمرکز می مانند. طی این تکرارها و تمرینات، هر یک از دانش آموزان این فرصت را خواهد یافت که در تمام موقعیت های مرتبط با «مبارزه تا آخرین نفس» شرکت نماید، نکته ای که امکان دارد در یک بازی واقعی روی ندهد. در ترکیب «تکرار» و «شرکت کردن متنوع و متعدد»، یک شکل مبالغه آمیز از بازی به وجود می آید.

یادگیری مشارکتی
مجموعه‌ای از راهبردهای
ساختاری مرتبط به هم است
که دارای سه ویژگی مشترک
یعنی پاداش تیمی، تعهد شخصی
و فرصت‌های یکسان و برابر برای
پیشرفت و موفقیت همه
دانش‌آموزان است

می‌دهد که فرصت‌هایی برای تمرین و یادگیری «چگونگی مسئولیت‌پذیری نسبت به خود و دیگران» به‌دست آورند. اما کلید اصلی این است که مسئولیت‌پذیری و فعالیت بدنی (مهارت و دانش) پیامدهای یادگیری جداگانه‌ای نیستند. آن‌ها باید در آموزش مسئولیت‌پذیری شخصی و اجتماعی به‌طور هم‌زمان پیگیری شوند و به‌دست آیند. همه می‌دانیم که موفقیت در تمامی اشکال فعالیت بدنی، به‌ویژه ورزش‌ها، به نشان دادن ابتکار عمل و

اجتماعی بستگی دارد. افراد می‌دانند که اکثر موفقیت‌های شخصی آن‌ها وابسته به شناخت توانایی‌های هم‌تیمی‌هایشان و پذیرش مسئولیت‌شان نسبت به تلاش با آن‌ها برای رسیدن به یک هدف است. یادگیری برای شناخت، پذیرش و عمل به مسئولیت‌های شخصی در مجموعه‌های فعالیت بدنی، تنها پیامد یادگیری مهم در مدل آموزش

مسئولیت‌پذیری شخصی و اجتماعی می‌باشد. ولی، بیان این هدف برای یک معلم بسیار ساده‌تر است تا به انجام رساندن آن. مدل آموزش مسئولیت‌پذیری شخصی و اجتماعی مطابق محتوای منظم برنامه تربیت بدنی عمل می‌کند و می‌تواند با هر مدل آموزشی دیگری ادغام شود. راهبردها و فعالیت‌های یادگیری مربوط به آموزش مسئولیت‌پذیری شخصی و اجتماعی هنگامی استفاده می‌شود که رشد فردی و اجتماعی هدف اصلی یادگیری باشد. مثلاً یک معلم می‌تواند از تدریس از طریق هم‌تا در یک واحد درسی آمادگی جسمانی دوره اول متوسطه استفاده و چندین راهبرد آموزش مسئولیت‌پذیری شخصی و اجتماعی را برای کمک به دانش‌آموزان ترکیب کند تا بتوانند هنگامی که در نقش یک مربی هستند، تصمیمات بهتری برای خود و دیگران بگیرند. شایان ذکر است که آموزش مسئولیت‌پذیری شخصی و اجتماعی، یک مدل برای زمان‌های خاص نیست که فقط وقتی که دانش‌آموزان الگوهای رفتاری ناهنجار از خود نشان می‌دهند و تصمیمات ضعیف می‌گیرند از آن استفاده شود. راهبردهای آموزش مسئولیت‌پذیری شخصی و اجتماعی می‌تواند تأمین‌کننده یک محیط امن برای تمام دانش‌آموزان باشد که در سایه آن بتوانند تمرین کنند، رفتارهای مثبت را یاد بگیرند و عادات تصمیم‌گیری کارآمد را توسعه دهند.

برخی محققان نقش مسئله تاکتیکی و این را که چه‌طور معلم می‌تواند دانش‌آموزان را وادار کند با سؤالات هدفمند آن را حل نمایند، در مدل توضیح دادند. مسئله تاکتیکی یک مفهوم کلیدی است که دانش‌آموزان بایستی آن را به‌منظور اجرای ماهرانه مهارت جایگزین در هر موقعیتی که در آن درگیر شده‌اند، درک نمایند. به مثال قبلی که در مورد «تلاش و مبارزه تا آخرین نفس» در بیسبال یا سافت‌بال ذکر شد فکر کنید. اگر شما «دونده» باشید، وقتی که شما در آن موقعیت هستید، چه مشکلی ممکن است بزرگ‌ترین و مهم‌ترین مسئله تاکتیکی باشد که باید آن را حل کنید؟ چگونه شما شانس خود را برای رسیدن به یک پایگاه به‌صورت ایمنی، افزایش خواهید داد؟ معلم از دانش‌آموزان خواهد خواست تا قبل از اینکه شکل بازی شروع شود، برخی از تاکتیک‌ها را برای آن سناریو بررسی نمایند. (علاوه بر انجام آن در حین فرم بازی). هرگاه دانش‌آموزان، یک راه‌حل مناسب به معلم ارائه می‌دهند، سعی می‌کنند همان راه‌حل را در شکل بازی به اجرا درآورند. اما تمام این‌ها با حل مسئله تاکتیکی به‌طور شناختی آغاز می‌شود.

مدل آموزش مسئولیت‌پذیری شخصی و اجتماعی

مدل آموزش مسئولیت‌پذیری شخصی و اجتماعی در سال ۱۹۷۸، رشد کرد. دکتر هلیسون در ابتدا مدل را به‌عنوان روشی برای تعلیم تربیت‌بدنی به جوانان محروم محلات قدیمی و ضعیف شهر، که به تشخیص وی، در چندین نقطه مثل مدرسه و خانه، به‌عنوان عضوی از یک گروه جنایتکار و به‌عنوان شریک جرم (و قربانی) در جرایم خشن در خطر بودند، ایجاد کرد. خیلی از آن‌ها فقط به این دلیل که تنها گزینه دیگر آن‌ها حبس و زندان بود، در مدرسه حضور داشتند؛ یعنی حضوری که می‌توانست هزینه زیادی داشته باشد. هلیسون به سرعت دریافت که احتیاجات این دانش‌آموزان خیلی فراتر از آن است که روش‌های سنتی تربیت‌بدنی بتواند تأمین‌کننده آنان باشد. اولین هدف هلیسون، ارتقای رشد شخصیت در تربیت‌بدنی بود، با این امید که دانش‌آموزان را افراد بهتری بار بیاورد، کسانی که بتوانند مقداری از بی‌عدالتی‌های اجتماعی را در دنیایشان تحمل کنند. اما این روش کافی به‌نظر نمی‌رسید؛ مشکل جدی‌تر از این‌ها و تأثیر مستقیم هلیسون بسیار محدود بود. او نیاز داشت تا یک دیدگاه متفاوت را پیدا کند. در دیدگاه جدید او، دادگاه می‌توانست کلاس تربیت‌بدنی و میانجی می‌توانست محتوای فعالیت‌هایی باشد که او در برنامه‌های تربیت‌بدنی‌اش تدریس می‌کرد. نتیجه چنین رویکردی، مدل آموزش مسئولیت‌پذیری شخصی و اجتماعی شد. ایده اصلی در قفای آموزش مسئولیت‌پذیری شخصی و اجتماعی این است که اکثر محتوای آموزش داده شده در برنامه‌های تربیت‌بدنی به دانش‌آموزان این امکان را

منبع

رضوانی اصل، رضوان؛ رفیعی ده‌بیدی، وحید؛ محمدپور، محبوبه؛ آزمون، جواد؛ «مدل‌های آموزشی در تربیت‌بدنی»، کتاب زیر چاپ، انتشارات سمت.